

ارزیابی فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی کاشان

محمد امینی^۱، حمید رحیمی^{۲*}، مسعود کیانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۱

چکیده:

هدف: فرهنگ کلاسی با توجه به باورها و ارزش‌های ضمنی و صریح خود می‌تواند از یک سو مروج فضایی آزاد، برانگیزاننده و دلگرم‌کننده برای ایجاد یادگیری در فراگیران باشد و از سوی دیگر هم ممکن است محیطی سرد، منفی و غیرمنعطفی را به‌وجود آورد. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی کاشان بود.

روش‌ها: در این مطالعه توصیفی-پیمایشی جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ به تعداد ۲۱۴۸ بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه استاندارد فرهنگ کلاسی در قالب ۸ سؤال بسته پاسخ در طیف پنج درجه‌ای لیکرت بود. روایی سازه پرسشنامه به روش تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ تأیید گردید. تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون‌های t تک نمونه‌ای، t مستقل، تحلیل واریانس یک راهه و مدل معادلات ساختاری) با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که نمره بدست آمده فرهنگ کلاسی به میزان $(34/53 \pm 2/64)$ بالاتر از نمره ۳۰ است و اکثریت دانشجویان فرهنگ کلاسی موجود در دانشگاه را باز می‌دانستند. دانشجویان پسر با نمره $(35/17 \pm 2/97)$ فرهنگ کلاسی را نسبت به دانشجویان دختر با نمره $(33/91 \pm 2/1)$ بازتر گزارش و این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار بود ($P < 0/05$). اما بین دیدگاه دانشجویان در مورد وضعیت فرهنگ کلاسی برحسب دانشکده محل تحصیل و مقطع تحصیلی، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: طبق نتایج، فرهنگ کلاسی موجود در دانشگاه علوم پزشکی کاشان از نوع باز بود. این امر به‌ویژه در دانشگاه‌های علوم پزشکی که فارغ‌التحصیلان آن در سطوح و مقاطع مختلف باید با هم‌نوعان خود ارتباطی انسانی، مثبت و متعادل برقرار نمایند، ضرورتی دو چندان دارد تا از این طریق، اطمینان بیشتری برای اجرای کیفی وظایف و مسئولیت‌های مورد نظر آن‌ها فراهم شود.

کلید واژه‌ها: فرهنگ کلاس، دانشجو، دانشگاه

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مفاهیم انسانی و اجتماعی که همواره دلالت‌های آن در حوزه‌های مختلف از جمله قلمروهای آموزشی و تربیتی مورد توجه و تأکید است، مفهوم فرهنگ می‌باشد. این واژه مرکب از دو کلمه یعنی "فر" به معنای بالا و "هنگ" از ریشه اوستایی سنگ به معنای کشیدن سنگینی و وزن است و ترکیب آن‌ها به لحاظ لغوی به معنای کشیدن و بیرون کشیدن است (۱) و در کاربردهای این کلمه نوعاً هر امر متعالی و مثبت را با آن یاد می‌کنند (۲). به علاوه، معادل انگلیسی فرهنگ یعنی Culture هم در اصل به معنای کشت و کار بوده و در تحولات معناشناختی، به تدریج این واژه در کاربردهای مجازی از کشت زمین به پرورش اندیشه تعمیم یافته (۳) و بار معنایی حرکت به سوی کمال و عامل اصلی

نویسنده مسئول: حمید رحیمی، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه

کاشان، کاشان، ایران
dr.hamid.rahimi@kashanu.ac.ir

محمد امینی، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
مسعود کیانی گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

پیشرفت فکری انسان و جامعه را پیدا کرده است (۴، ۵).

اما فارغ از این معانی واژه‌شناختی، می‌توان فرهنگ را در تعریفی وسیع‌تر به منزله بستری شامل ارزش‌ها و آداب و رسوم مختلف مطرح و تعریف کرد که تمامی رفتارهای پایدار اجتماعی در درون آن شکل گرفته و در عین حال به کنش‌ها و رفتارهای فرد نیز جهت می‌دهد (۶). درواقع، هم‌چنان که در مطالعات روان‌شناسی، مفهوم شخصیت به عنوان یک مفهوم محوری مطرح است، فرهنگ نیز شاه بیت مطالعات انسان‌شناسی و مردم‌شناسی می‌باشد (۷). لذا آنچه که تحت عنوان فرهنگ سازمانی و در سطح خردتر فرهنگ کلاسی نامیده می‌شود ناظر بر وجود مجموعه‌ای از ارزش‌ها و ترجیحات مختلف است که در بستری اجتماعی یعنی سازمان و یا کلاس درس شکل گرفته و عملکردها و رفتارهای افراد حاضر در آن را هدایت و جهت‌دهی می‌نماید (۸).

بدون تردید، کلاس درس به عنوان بستر یا محیط اصلی تحقق مهم‌ترین هدف نظام‌های آموزشی یعنی یادگیری است. اگر یادگیری را به معنای ایجاد تغییرات مطلوب در رفتارهای

بالقوه یادگیرندگان تعریف نماییم (۹)، در آن صورت محمل یا محیطی که این تحول مثبت در آن باید رخ دهد، کلاس درس می‌باشد. درواقع، کلاس درس به عنوان محلی برای ارائه خدمات مستقیم به فراگیران، می‌تواند زمینه رشد فردی و توسعه همه جانبه جوامع انسانی را فراهم کند (۱۰). می‌توان کلاس درس را سازمانی متشکل از استاد و دانشجویانی تلقی کرد که هر یک مجموعه‌ای از صفات منحصر به فردی همچون احساسات، ارزش‌ها، نیازها و انگیزه‌ها را با خود به این مکان می‌آورند (۱۱). بدیهی است خصوصیات شخصی دانشجویان در کلاس درس و خرده فرهنگ‌های آن بر یکدیگر تاثیر گذاشته و فرهنگ جدیدی را به وجود می‌آورد. هویت، شخصیت و رفتار افراد می‌تواند به مرور تحت تاثیر فرهنگ سازمانی قرار گرفته که حاصل آن عدم رضایت و بی‌میلی و یا بالعکس پویایی و خلاقیت است (۱۲). از این منظر، کلاس درس به عنوان یک نظام اجتماعی و گروه ثانویه دارای مجموعه‌ای از باورها، هنجارها و ارزش‌های مشترک است که زمینه تمایز آن را از سایر واحدها فراهم می‌کند (۱۳). این باورها، دیدگاه‌ها، هنجارها و ارزش‌های مشترک، خود را در قالب مفهومی تحت عنوان فرهنگ کلاسی بروز و نشان می‌دهد. جانسون معتقد است فرهنگ کلاسی با توجه به باورها و ارزش‌های ضمنی و صریح خود می‌تواند از یک سو مروج فضایی آزاد، برانگیزاننده و دلگرم کننده برای ایجاد یادگیری در فراگیران باشد و از سوی دیگر هم ممکن است محیطی سرد، منفی و غیرمنعطفی را به وجود آورد که زمینه مقابله و مقاومت افراد با یکدیگر را فراهم می‌سازد (۱۴). فرهنگ کلیت در هم بافته‌ای از دانش، هنر، اخلاق، قانون، آداب رسوم و هرگونه قابلیت‌ها و عاداتی است که به وسیله انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب شده و در رفتارها وی بروز می‌نماید. برخی از فرهنگ‌ها مثبت و باز بوده و فضایی گرم، انسانی، همراه با جو اعتماد و حمایتی ایجاد و باعث عملکرد و بهره‌وری مؤثر می‌شوند در مقابل، فرهنگ‌هایی که از مسأله‌یابی ممانعت نموده و منبع مقاومت و هرج و مرج باشند، را می‌توان فرهنگ منفی و بسته تلقی نمود که نشانگر وجود فضائی سرد، مستبدانه وظیفه‌گرا، سفت و سخت خواهد بود (۱۴). فرهنگ بینابین، حالتی بین فرهنگ باز و بسته است که البته آنچه در این میان باید مورد توجه جدی قرار بگیرد نحوه ادراک و برداشت دانشجویان از فضای حاکم بر کلاس درس یا همان فرهنگ کلاسی است. دقیقاً همین تصورات و برداشت‌های دانشجویان است که منجر به بروز رفتارهای مثبت و سازنده و یا منفی و مخرب از سوی

آنان می‌گردد (۱۵). از دیدگاه لوسرو ایجاد یک فرهنگ کلاسی مثبت به ویژه از نظر افزایش سطح همکاری و مشارکت دانشجویان در فرآیندهای یاددهی-یادگیری ضرورت دارد (۱۶).

آدلمن و تایلور هم معتقدند که مفاهیم اصلی مرتبط با فرهنگ کلاسی شامل مواردی هم چون روحیه دانشجویان، نگرش‌های اجتماعی حاکم بر کلاس، ساختار اجتماعی محیط آموزشی، برنامه درسی و انتظارات آموزشی است که نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر، چگونگی فرهنگ کلاسی را مشخص می‌کند. البته در رویکردی کلان‌تر، فرهنگ و جو کلاس درس به وسیله محیط کلی مدرسه یا دانشگاه شکل گرفته و آن هم متأثر از بسترهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه پیرامونی است (۱۷). از دیدگاه الیاس، فضاهای آموزشی متنوع در یک واحد آموزشی، تجهیزات سمعی و بصری، محیط پیرامونی، روش‌های تدریس، رفتار معلمان، سطح مشارکت یادگیرندگان در فعالیت‌های کلاس درس و سایر شرایط فیزیکی و روانی موجود، یک فرهنگ جمعی را در کلاس به وجود آورده که به نوبه خود تاثیرات زیادی بر روی فرآیند یاددهی-یادگیری برجا گذاشته (۱۸) و علاوه بر پیشرفت تحصیلی، تاثیرات زیادی بر روی میزان رضایت درونی و اجتماعی از مدرسه و کارآیی و اثربخشی آن دارد (۱۹). آلن و هسیک (Allen & Hessick)، حتی وجود تصاویر، رنگ و نور در کلاس‌های درس و تاثیرات روانی آن‌ها بر روی فراگیران و تقویت و تضعیف فرهنگ کلاسی را مورد توجه قرار می‌دهند (۲۰). به علاوه، وجود عواملی مانند کمک به مدرسان برای تقویت انگیزه‌های درسی دانشجویان، تعیین انتظارات بالای آموزشی، انتقال و ارجاع اهداف و انتظارات به والدین و دانشجویان، ارائه بازخوردهای متعدد، مقابله با رفتارهای سوء و تاکید بر برنامه درسی مورد نظر از جمله متغیرهایی محسوب می‌گردند که در ایجاد فرهنگ کلاسی مثبت نقش مهمی ایفاء می‌کنند (۲۱). به علاوه، عوامل دیگری هم چون رهبری کلاس درس و میزان نفوذ واقعی اساتید بر روی دانشجویان (۲۳)، سبک اساتید از نظر وظیفه‌مداری یا رابطه‌مداری (۲۲)، توجه به جنبه‌های مختلف رشد و شخصیت یادگیرندگان (۲۳)، الگوی ارتباطی استاد-دانشجو (۲۴)، وجود شاخصه‌هایی مثل صمیمیت، بردباری، انعطاف‌پذیری، تعامل میان یادگیرندگان و اساتید (۲۵)، همدلی، مسئولیت‌شناسی، نظم و انضباط (۲۶) از جمله متغیرهایی هستند که وجود و حضور آن‌ها در موقعیت‌های

یاددهی- یادگیری یعنی کلاس درس نقش قابل توجهی در ایجاد و بسط یک فرهنگ کلاسی مثبت و اثربخش دارند. از سوی دیگر، پژوهش‌های انجام گرفته توسط محققان مختلف نیز نقش و جایگاه فرهنگ کلاسی را در ابعاد مختلف نشان می‌دهد. یافته‌های حاصل از پژوهش ذوالفقار و زمیر موید آن بود که از دیدگاه دانشجویان، مولفه‌های مختلف فرهنگ کلاسی (روش‌های تدریس، نحوه چیدمان کلاس درس، سطح مسئولیت‌پذیری استاد، تجهیزات کمک آموزشی) تاثیر معنی‌داری بر روی میزان یادگیری درسی و عملی آن‌ها دارند (۲۱). تحقیق فیشر هم نشان داد که برای ایجاد یک فرهنگ اثربخش کلاسی و نیز یک محیط یادگیری سازنده، پیش‌بینی فضاهای مختلف در کلاس درس (کار، مباحثه و استراحت دانشجویان) و وجود حمایت‌های روانشناختی لازم از ضرورت زیادی برخوردارند (۲۷). پولولی و همکاران نیز در پژوهش خود گزارش کرده‌اند که در مراکز دانشگاهی پزشکی، موانع و مشکلات متعددی در زمینه فرهنگ ارتباطی وجود دارد و این مشکلات نهایتاً ممکن است کارآیی و بهره‌وری دانشجویان، اساتید و کارکنان این واحدهای آموزشی را مختل نماید (۱۱). همچنین، صابریان و همکاران در پژوهشی به بررسی فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان پرداخته و گزارش کرده‌اند که از نظر اکثر دانشجویان کارشناسی ارشد و پزشکی عمومی، فرهنگ کلاسی دانشگاه مورد بررسی فرهنگی باز، گرم و حمایتی بوده ولی در مورد سایر رشته‌ها، نتایج حاصله وجود یک فرهنگ بینابینی را نشان می‌دهد (۲۸). نتایج تحقیق دل آرام نیز در مورد فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد نشان داد که غالب دانشجویان مورد مطالعه فرهنگ حاکم بر کلاس‌های درس خود را فرهنگ بینابینی ارزیابی نموده‌اند (۲۹). جویباری و همکاران نیز در تحقیق خود ضمن گزارش یافته مشابه تصریح کرده‌اند که بیان روشن انتظارات از جانب اساتید و وجود تعامل و ارتباط مثبت میان آن‌ها با دانشجویان و بکارگیری شیوه‌های دانشجو-محور، زمینه ایجاد یک فرهنگ کلاسی باز و صمیمی را فراهم کرده و باید به‌عنوان عاملی مهم در عملکرد تحصیلی آن‌ها مورد توجه قرار بگیرد (۲۴). حقیقی و همکاران، نیز طبق نظر اکثر دانشجویان مقاطع و رشته‌های تحصیلی مختلف، فرهنگ کلاسی دانشگاه علوم پزشکی شهر اهواز را فرهنگ بینابینی ارزیابی نمودند (۳۰). گاراس (Garaas) در تحقیق خود نشان داد که توسعه فرهنگ کلاسی مثبت منجر به مشارکت بیشتر دانشجویان در

امور و و فعالیت‌های کلاسی می‌شود و فرهنگ کلاسی که همراه با اعتماد، ایمنی، چالش و شادی باشد سنگ بنای آموزش فراگیر و موثر است (۳۱). قدسیان و همکاران دریافتند مشتری‌مداری، داشتن چشم انداز، پیشرو و فعال بودن، داشتن نگاه سرمایه‌ای به انسان، دانش‌گرایی، ارزش‌محوری، کرامت ذاتی، انگیزه رشد و تعالی، روابط انسانی و انسجام درونی از عناصر اصلی الگوی فرهنگ سازمانی سازمان‌های آموزشی شهر بیرجند است (۳۲).

از آنجا که مفهوم دانشگاه به عنوان نهادی که مرکز پردازش و انتقال زمینه‌های مختلف علمی از نسلی به نسل دیگر است، همچنین فرهنگ‌سازی علمی، اجتماعی، تربیتی و آموزشی از این نهاد نشأت می‌گیرد، شناخت ادراکات و احساسات دانشجویان نسبت به فرهنگ و روابط اعضای کلاس چه برای برنامه‌ریزی، سازماندهی و چه برای دگرگونی و تغییرات مثبت که لازمه پویایی کلاس می‌باشد، دارای اهمیت است. از طرف دیگر، فرهنگ کلاسی به عنوان یک متغیر مهم آموزشی، نقش قابل توجهی در کارآمدی و اثربخشی نهادهای آموزشی از جمله دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دارد. لذا این مطالعه با درک این واقعیت درصدد بررسی و ارزیابی فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان بود تا از این طریق، ضمن ارائه تصویری روشن از واقعیات موجود، داده‌ها و اطلاعات لازم را جهت اصلاح و بهبود احتمالی این حوزه ارائه نماید و با ایجاد فضایی امن و حمایت‌کننده، محیطی خلاق و آزاد برای رشد و شکوفایی استعدادهای دانشجویان فراهم سازند. بر همین اساس هدف تحقیق حاضر، بررسی فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی و مقایسه آن از دیدگاه دانشجویان برحسب جنسیت، مقطع تحصیلی و دانشکده محل تحصیل بود.

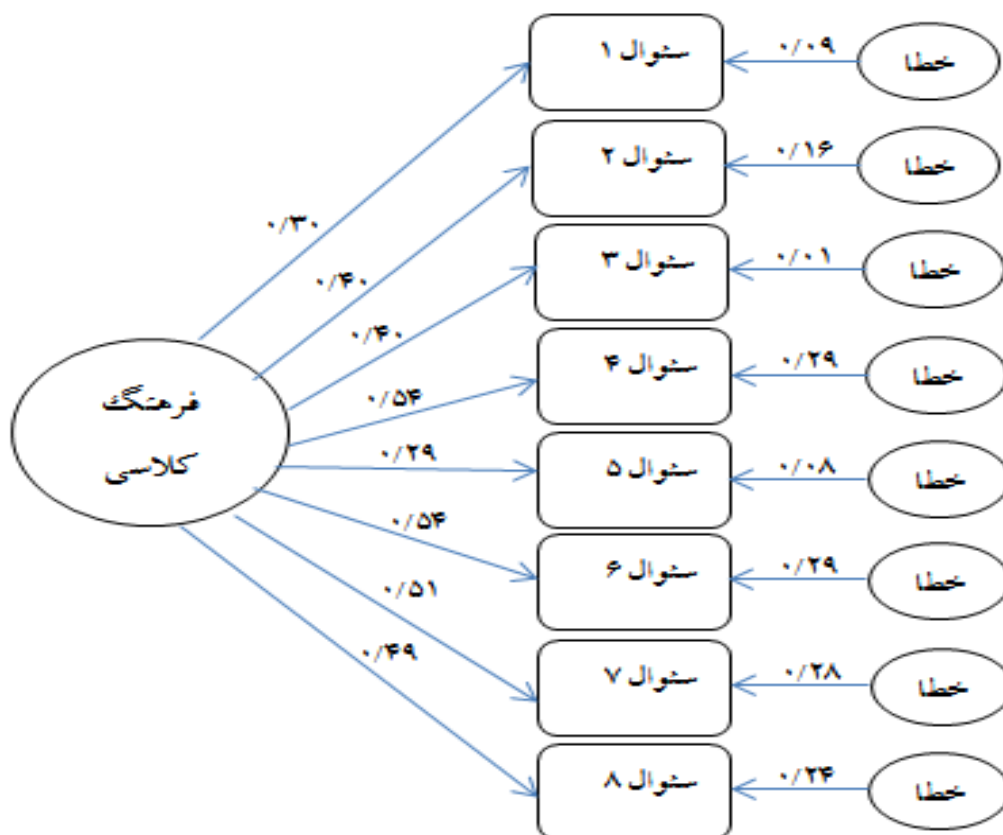
روش‌ها

در این پژوهش از روش پژوهش توصیفی-پیمایشی استفاده شد. پژوهش حاضر از پژوهش‌های کاربردی است که با هدف بررسی فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی طراحی شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان به تعداد ۲۱۴۸ بود که در ۴ دانشکده پزشکی، پرستاری و مامایی، بهداشت و پیراپزشکی در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند. جهت تعیین واریانس جامعه آماری، انجام یک مطالعه مقدماتی روی تعدادی از دانشجویان ضروری بود. لذا تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان به‌صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها در بین

این پژوهش پرسشنامه‌ای دو بخشی شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی و فرهنگ کلاسی بود که توسط استیفن رابینز (Robbins) تهیه شده بود. این پرسشنامه استاندارد، شامل ۸ سؤال بود که براساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم، تا کاملاً مخالفم نمره‌گذاری می‌شد. در مورد سؤال‌های فرهنگ کلاسی، برای پاسخ‌ها امتیاز ۱ تا ۵ منظور شد و مجموع نمره‌ها مورد قضاوت قرار گرفت. به نحوی که کسب نمره ۳۰ به بالا نشانگر فرهنگ باز، گرم، انسانی و جو اعتماد و حمایتی، کسب نمره ۲۰ تا ۲۹ بیانگر فرهنگ بینابینی، گاهی سخت‌گیری و در برخی شرایط فرهنگ باز و صمیمی و کسب نمره زیر ۲۰ نشانگر فرهنگ بسته، سرد و مستبدانه بود (۳۳).

به منظور بررسی روایی پرسشنامه از روایی سازه و به روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار Amos.Ver.22 انجام شد و شاخص‌ها ($GFI=0/98$, $AGFI=0/95$ و $SRMR=0/02$) حاکی از نقش مهم و معنی‌دار هر یک از سؤال‌ها در اندازه‌گیری عامل فرهنگ کلاسی بود (نمودار ۱).

آن‌ها توزیع شد، پس از استخراج داده‌های مربوط به پاسخ‌های گروه مزبور و پیش برآورد واریانس ($0/40$)، سطح معنی‌داری ($0/95$)، حجم جامعه (2148) و میزان خطا ($0/05$)، حجم نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران 221 نفر به‌دست آمد. حجم نمونه برآورد شده 221 نفر بوده که در این پژوهش تعداد 200 پرسشنامه برگشت داده شد. با توجه به این‌که نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها $0/90$ بود بر این اساس تجزیه و تحلیل آماری بر روی 200 آزمودنی انجام گرفت و توان آماری و سطح معنی‌داری پس از تحلیل مقدماتی محاسبه و کفایت آن از طریق توان آزمون، $0/83$ برآورد گردید. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد. بر این اساس از 442 نفر دانشجوی دانشکده پزشکی 41 نفر (21 درصد)، از 381 دانشجوی دانشکده پرستاری 35 نفر (17 درصد)، از 654 دانشجوی دانشکده بهداشت 61 نفر (31 درصد) و از 671 دانشجوی دانشکده پیراپزشکی 63 نفر (31 درصد) در نمونه آماری قرار گرفتند. سپس از بین دانشکده‌های مذکور، 8 کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها در



نمودار ۱: تخمین‌های استاندارد شده الگوی فرهنگ کلاسی (پرسشنامه رابینز)

آزمون تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه وضعیت فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان برحسب دانشکده محل تحصیل و مقطع تحصیلی، مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

از مجموع ۲۰۰ دانشجوی شرکت‌کننده در پژوهش ۹۹ نفر مرد (۴۹/۵ درصد) و ۱۰۱ نفر زن (۵۰/۵ درصد) بودند. ۲۱ نفر (۱۰/۵ درصد) در مقطع کاردانی، ۷۶ نفر (۳۸ درصد) در مقطع کارشناسی، ۵۷ نفر (۲۸/۵ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۴۶ نفر (۲۳ درصد) در مقطع پزشکی عمومی تحصیل می‌کردند.

طبق جدول شماره یک، مقدار چولگی (۰/۴۹-) و کشیدگی (۰/۶۷-) مشاهده شده برای متغیر فرهنگ کلاسی، در بازه (۲ و ۲-) قرار دارد؛ یعنی از لحاظ کجی و کشیدگی، متغیر فرهنگ کلاسی، نرمال است.

پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد گردید که حاکی از پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری است. پس از اجازه اجرای طرح از طرف مسئولان دانشگاه علوم پزشکی کاشان، از کلیه شرکت‌کنندگان، رضایت اجرای طرح گرفته و به ایشان اطمینان داده شد که پرسشنامه‌ها بدون نام خواهند بود، نتایج محرمانه است و در انتها به آنان اعلام خواهد شد. مدت زمان مناسبی برای پر کردن پرسشنامه طرح در نظر گرفته شد. محقق با دادن این توضیحات، پرسشنامه‌ها را توزیع و در مدت سه هفته تکمیل و جمع‌آوری نمود.

تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون t تک نمونه‌ای، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس یک راهه) با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS.Ver.18 و Amos.Ver.22 انجام گرفت. آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه و تعیین میزان باز، بسته و بینابین بودن فرهنگ کلاسی، آزمون t مستقل جهت مقایسه وضعیت فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان برحسب جنسیت و

جدول ۱: بررسی نرمال بودن داده‌های متغیر فرهنگ کلاسی

میانگین	واریانس	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	دامنه	چولگی	کشیدگی
۳۴/۵۳	۶/۹۷	۲/۶۴	۲۶	۴۰	۱۴	-۰/۴۹	-۰/۰۶۷

جدول شماره دو نشان می‌دهد که نمره بدست آمده (۳۴/۵۳±۲/۶۴) بالاتر از نمره ملاک ۳۰ می‌باشد و لذا اکثریت دانشجویان، فرهنگ کلاسی موجود در دانشگاه را باز می‌دانستند.

جدول ۲: آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه وضعیت فرهنگ کلاسی

متغیر	تعداد	میانگین	t	df	p
فرهنگ کلاسی	۲۰۰	۳۴/۵۳±۲/۶۴	۵۶/۳۹	۱۹۹	۰/۰۰۱*

سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۵$

طبق جدول شماره سه دانشجویان پسر با نمره (۳۵/۱۷±۲/۹۷) فرهنگ کلاسی را نسبت به دانشجویان دختر با نمره (۳۳/۹۱±۲/۱)، بازتر گزارش نمودند و این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار بود.

جدول ۳: آزمون t مستقل جهت مقایسه وضعیت فرهنگ کلاسی برحسب جنسیت

متغیر	تعداد	میانگین	t	df	sig
پسر	۹۹	۳۵/۱۷±۲/۹۷	۳/۴۴	۱۹۸	۰/۰۰۱*
دختر	۱۰۱	۳۳/۹۱±۲/۱			

سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۵$

جدول شماره چهار نشان داد که دانشجویان دانشکده پزشکی با نمره (۳۵/۱۲±۲/۷۰)، فرهنگ کلاسی را نسبت به سایر دانشکده‌ها بازتر گزارش نمودند اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبود.

جدول ۴: تحلیل واریانس جهت مقایسه وضعیت فرهنگ کلاسی برحسب دانشکده محل تحصیل

متغیر	تعداد	میانگین	F	df	P
پزشکی	۴۱	۳۵/۱۲±۲/۷۰	۱/۳	۱۹۹	۰/۲۶۵
پرستاری	۳۵	۳۴/۶۰±۲/۷۶			
بهداشت	۶۱	۳۴/۰۷±۲/۶۳			
پیراپزشکی	۶۳	۳۴/۵۵±۲/۵۰			

سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۵$

جدول شماره پنج نشان داد که دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد با نمره $(34/57 \pm 2/60)$ ، فرهنگ کلاسی را نسبت به سایر مقاطع بازتر گزارش نمودند اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبود.

جدول ۵: تحلیل واریانس جهت مقایسه وضعیت فرهنگ کلاسی

برحسب مقطع تحصیلی				
متغیر	تعداد	میانگین	F	df
کاردانی	۲۱	$34/14 \pm 2/57$	۰/۶۲۵	۱۹۹
کارشناسی	۷۶	$34/35 \pm 2/90$		
ارشد	۵۷	$34/57 \pm 2/60$		
دکتری	۴۶	$34/53 \pm 2/64$		

سطح معنی‌داری $p < 0/05$ *

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی پدیده‌ها و مسائل آموزشی از دیدگاه دانش‌آموزان و دانشجویان یعنی افرادی که خود مستقیماً در معرض تجارب تربیتی قرار دارند، می‌تواند زمینه بهتری را برای بررسی و درک واقعیات موجود و شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها و عملکرد نهادهای آموزشی از جمله دانشگاه‌ها و آموزش عالی فراهم نماید. درواقع، بازخوردهای فراگیران یا یادگیرندگان به عنوان مشتریان اصلی نظام آموزشی تا حدود زیادی تعیین‌کننده موفقیت یا عدم موفقیت مراکز آموزشی می‌باشد. در قلمرو برنامه‌های درسی و آموزشی از نوع خاصی برنامه تحت عنوان برنامه درسی تجربه شده نام برده می‌شود که ناظر بر برداشت و ادراک یادگیرندگان از آموزش‌ها و برنامه‌های ارائه شده به آنان است. اهمیت و ارزش این نوع برنامه درسی ناشی از این واقعیت است که در تحلیل نهایی، این فراگیران هستند که تصمیم‌گیرنده اصلی حوزه یاددهی و یادگیری بوده و به آن تعیین و شکل می‌دهند. با عنایت به این جایگاه، پژوهش حاضر کوشیده است تا به استناد دیدگاه دانشجویان فرهنگ کلاسی را در میان رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی مورد بررسی و کاوش قرار دهد. یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر نشان داد که اکثریت دانشجویان مورد بررسی معتقدند که نوع فرهنگ کلاسی حاکم بر کلاس‌های درس دانشگاه محل تحصیل آن‌ها فرهنگی باز و مثبت است که با ویژگی‌هایی همچون اعتماد، جو حمایتی و ارتباط گرم و صمیمی همراه می‌باشد. به عبارت دیگر، اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان معتقد بودند که نحوه تعامل اساتید و دانشجویان مثبت و اطمینان بخش است، رفتارهای آنان با هم‌کلاسان خود، دوستانه و توأم با صمیمیت می‌باشد. اساتید انتظارات خود را

به‌وضوح برای دانشجویان توضیح می‌دهند، دانشجویان نیز عملکرد خود را بازتابی از تلاش‌های واقعی خود ارزیابی می‌کنند، استادان فرصت‌های یادگیری مختلفی را برای طرح سوال و ایجاد چالش‌های فکری در کلاس ایجاد می‌نمایند، دانشجویان شاخص‌های ارزیابی و نمره‌دهی اساتید را واقع‌بینانه و مبتنی بر معیارهای روشن تلقی می‌کنند و نهایتاً فرصت‌های متعددی برای تشویق و ترغیب دانشجویان به یادگیری و تحقق انتظارات آموزشی وجود دارد. باید بر این نکته تأکید کرد که هر قدر ارتباط موجود میان دانشجویان و اساتید دوستانه‌تر باشد، آن‌ها با علاقه بیشتری در کلاس درس حضور خواهند یافت. چرا که انسان از طریق برقراری روابط مطلوب با محیط کار در انجام وظیفه موفق شده و این امر موجب توسعه فعالیت‌ها و رغبت به کار می‌گردد (۳۱). نتایج این بخش از تحقیق با یافته‌های پژوهشی صمدی و همکاران (۱۳) که جو یادگیری در کلاس‌های درس مورد بررسی را بالاتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند، منطبق می‌باشد. ولی با نتایج تحقیق صابریان (۲۸) و دل آرام (۲۹) ناهمخوان است. پژوهشگران یاد شده در تحقیقات خود فرهنگ موجود در کلاس‌های درس دانشگاه‌های علوم پزشکی را فرهنگ بینابینی گزارش کرده‌اند. به‌علاوه، یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که بین دیدگاه‌های دانشجویان در مورد فرهنگ کلاسی برحسب جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود داشته و دانشجویان پسر در مقایسه با دانشجویان دختر فرهنگ کلاس‌های درس را فرهنگی باز و مثبت ارزیابی نموده‌اند. می‌توان گفت از آنجایی که دانشجویان پسر رشته‌های علوم پزشکی دیدگاه خوش بینانه‌تری نسبت به آینده شغلی خود داشته و انطباق بیشتری را میان قابلیت‌های خود و اقتضائات رشته‌های پزشکی ملاحظه می‌کنند، لذا دیدگاه مثبت‌تری نسبت به فرهنگ کلاسی ابراز کرده‌اند. نتایج تحقیق حاضر با نتایج مطالعه دل آرام (۲۹) که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه دانشجویان در مورد فرهنگ کلاسی برحسب جنسیت نیافت همسویی و مطابقت ندارد.

نتایج حاکی از آن بود که دانشجویان دانشکده پزشکی فرهنگ کلاسی را نسبت به سایر دانشکده‌ها، بازتر گزارش نمودند اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبود و اکثریت دانشجویان دانشکده نسبت به وضعیت موجود فرهنگ کلاسی در دانشگاه دیدگاه یکسانی داشتند که این امر نشانگر شیوه رفتاری و ارتباط صمیمانه بین استاد و دانشجویان و درک جایگاه خود و نگرش آنان نسبت به رشته تحصیلی‌شان بود. به بیان دیگر، تفاوت دانشجویان از نظر رشته و دانشکده محل تحصیل باعث

ایجاد تفاوت معنی‌دار در زمینه ارزیابی آن‌ها از نوع فرهنگ کلاسی نشده و همه آن‌ها مجموعاً فرهنگ حاکم بر کلاس‌های درس را فرهنگی باز و مثبت ارزیابی نموده‌اند. نتایج مطالعه حاضر با نتایج تحقیق دل آرام (۲۹) و جویباری (۲۴) که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه دانشجویان در مورد فرهنگ کلاسی برحسب دانشکده محل تحصیل نیافتند همخوانی دارد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد، فرهنگ کلاسی را نسبت به سایر مقاطع، بازتر گزارش نموده اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌داری نبود و تقریباً همه مقاطع نسبت به وضعیت موجود فرهنگ کلاسی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان، دیدگاه یکسانی داشتند. در مطالعه حاضر، دانشجویان دوره کارشناسی ارشد به فرهنگ کلاسی باز امتیاز بیشتری داده بودند که نشانگر شیوه رفتاری و ارتباط صمیمانه بین استاد و دانشجو است. باید دانست که هر قدر روابط اساتید با دانشجویان، دوستانه و گرم باشد، آن‌ها با علاقه بیشتر در کلاس حاضر خواهند شد، زیرا انسان با برقراری روابط مطلوب با محیط کار، در انجام وظیفه موفق شده و موجب توسعه فعالیت‌ها و رغبت در کار می‌گردد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق دل آرام (۲۹) که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه دانشجویان در مورد فرهنگ کلاسی برحسب مقطع تحصیلی یافت همسویی و مطابقت ندارد. با توجه به نتایج مطالعه حاضر می‌توان نتیجه‌گرفت که اکثریت دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دانشکده‌ها و رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف، فرهنگ حاکم بر کلاس‌های درسی را یک فرهنگ باز، دوستانه و حمایتی می‌دانستند که نشان‌دهنده ارتباط صمیمانه اساتید با دانشجویان، رضایت از همکلاسی‌ها، رضایت از رشته تحصیلی و درک وظایف خود بود. لذا ضرورت جدی وجود دارد که فرهنگ کلاسی به عنوان یک متغیر مهم احساسی و انسانی در محیط‌ها و فضاهای آموزشی و تربیتی مورد توجه و تاکید

قرار بگیرد. این امر به ویژه در دانشگاه‌های علوم پزشکی که فارغ‌التحصیلان آن در سطوح و مقاطع مختلف باید با هموعان خود ارتباطی انسانی، مثبت و متعادل برقرار نمایند، ضرورتی دو چندان دارد تا از این طریق، اطمینان بیشتری برای اجرای کیفی وظایف و مسئولیت‌های مورد نظر آن‌ها فراهم شود. به علاوه توجه به فرهنگ کلاسی و مولفه‌های تشکیل دهنده آن زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا هدف اصلی دانشگاه‌های علوم پزشکی در آموزش دانشجویان یعنی انتقال شناخت‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مورد نظر با کارایی و اثربخشی لازم همراه شود.

با توجه به باز و حمایتی بودن و وضعیت نسبتاً مطلوب فرهنگ کلاسی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان، جهت رسیدن به یک وضعیت مطلوب‌تر، انجام مطالعه وسیع‌تر در سایر مراکز علمی و با ابزار دقیق‌تر و جمعیت بیشتر، تعامل و ارتباط بیشتر اساتید با دانشجویان، ایجاد نظام مشارکتی جهت افزایش روحیه همکاری در بین دانشجویان، نگرش مثبت به دانشجویان و شخصیت آن‌ها و بکارگیری روش‌های دانشجوی-محور که می‌تواند منجر به برقراری ارتباط بیشتر بین استاد و دانشجو و دانشجویان با یکدیگر و ایجاد فرهنگ باز و صمیمی گردد، پیشنهاد می‌شود.

ازجمله محدودیت‌های این پژوهش استفاده صرف از پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی برای ارزیابی متغیرها، محدود شدن نمونه پژوهش به دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان و بررسی و جمع‌آوری مقطعی داده‌ها بود.

قدردانی

نویسندگان از کلیه مسئولین محترم و دانشجویان گرامی دانشگاه علوم پزشکی کاشان که به هر طریق ممکن در این مطالعه همکاری نموده‌اند، تشکر می‌نمایند.

References

1. Moshabeki A. [Organizational behavior management]. 2nd ed. Tehran: Termeh Publication; 2010. [Persian]
2. Abolghasemi M J. [Cognition of culture]. 1st ed. Tehran: Arshpashoh; 2006. [Persian].
3. Kosh D. [Concept of culture in social science]. 3rd ed. Translated by Moshfegh Hamedani. Tehran: Simorgh; 2010. [Persian].
4. Ashori D. [Definitions and concept of culture]. 6th ed. Tehran: Agah Publication; 2017. [Persian]
5. Vosoghi M, Nikkholgh AK. [Foundation of sociology]. 1st ed. Tehran: Behineh; 1999. [Persian]
6. Mosaei M. [The role of culture in consumption pattern]. Islamic Economics 2009; 9 (34): 125-150. [Persian]

7. Rastehmoghadam A, Rahimian H, Abbaspoor A. [Identifying the Challenges of Organizational Culture and Practical Solutions to Change Case: Governmental Organizations of Tehran]. *Organizational Culture Management*, 2014; 11 (4): 111-135. [Persian]
8. Feiz D, Akbarzadeh M, Zangian S. [Designing interactive model of organizational culture and organizational citizenship behavior and its impact on organizational effectiveness: mediating role of knowledge management]. *Organizational Culture Management* 2015; 13 (1): 47-66. [Persian].
9. Saif AA. [New educational psychology, learning psychology and instruction]. 13th ed. Tehran: Doran Publication; 2015. [Persian]
10. Khalkhali A, Soleymanpour J, Fardi M. [Presenting a Conceptual Model for Establishing Healthy Classroom Management]. *Journal of Educational Psychology* 2010; 1(2): 55-66. [Persian]
11. Poloi L, Conrad PK, Night S, Carr P. [A study of the relational aspects of the culture of academic medicine. *Acad Med* 2009; 84 (1): 106-114.
12. Shirkvand Sh. [Morale and organizational climate]. *Tadbir* 2001; 12 (17): 70-96. [Persian]
13. Samadi P, Rajaepor S, Aghahosieni T, Ghalavandi H. [Classroom atmosphere and management by guidance teachers of Oroomiyeh]. *The Journal of New Thoughts on Education* 2008, 4 (1): 155-176. [Persian]
14. Johnson BH. Empowerment of nurse educators through organizational culture. *Nurs Educ Perspect* 2009; 30 (1): 8-13.
15. Austin M J, Claassen J. Impact of organizational change on organizational culture: implications for introducing evidence-based practice. *J Evid Based Soc Work* 2008; 5: 321-359.
16. Lucero R. Building a positive classroom culture and climate. 2013. Colorado State University; [Cited 2018 January 13]. Available from: <https://tilt.colostate.edu/teachingResources/tips/tip.cfm?tipid=137>
17. Lee SW Adelman HS. *Encyclopedia of School Psychology*. Thousand Oaks, California: Sage Publication; 2005.
18. Elias MJ. Academic and social emotional learning. *Educational practices series*. Geneva: International Bureau of Education; 2003.
19. Lokas A, Robinson sh. examining the moderating role of perceived school climate in early adolescent adjustment, *Research on Adolescence* 2004; 14 (2): 209-233.
20. Allen B, Hessick K. *A classroom environment: a silent curriculum*. California Polytechnic State University: San Luis Obispo; 2011.
21. Zulfiquar T, Zamir SH. Role of classroom culture in academic learning of students at university Level. *J of Literature, Languages and Linguistics* 2015; 13: 125-141.
22. Shabani H. [Teaching methods and techniques]. 29th ed. Tehran: Samt; 2016. [Persian]
23. Nakamura RM *Healthy classroom management: Motivation, communication, and discipline*. 1st ed. Belmont, CA: Wadsworth; 2000.
24. Joybari L, Seyd Ghasemi N, Taghavi A, Bayki F. [Review class culture among students of Golestan University of Health and Allied]. *J Medical Education* 2016; 4 (1): 44-49. [Persian]
25. Bucher KT, Maning ML. *Creating safe school*. The Learning House: A Journal of Educational Strategies, Issues and Ideas 2005; 79 (1): 55-60.
26. Zamani BE. [The role of schools and teacher in cultural development]. In Ali Mosanezhad, A Series of Articles in Cultural Obstacles of Development. Tehran: Pazhohan Publication; 2004. [Persian]
27. Fisher K. The evaluation of physical learning environments: A critical review of the literature. *Learning Environments Research* 2014; 17: 1-28.
28. Saberian M, Hajiaghajani S, Ghafari P, Ghorbani R. [Class culture from viewpoints of students of Semnan University of Medical Sciences]. *Iranian Journal of Medical Education* 2007; 7 (1): 143-148. [Persian]

29. Delaram M. [Class culture from viewpoints of students of Sharkord University of Medical Sciences]. *J Hormozgan Medicine* 2010; 4 (3): 254-260. [Persian]
30. Haghighi Sh, Ashrafizadeh H, Saki Malehi O, Jozaei Sh. [Students' perspectives regarding class culture in ahvazjundishapur university of medical sciences]. *Zanko J Med Sci* 2016; 17 (53): 73-80. [Persian]
31. Garaas A. the effects of developing a positive class culture on student participation in a kindergarten classroom. Retrieved from Sophia, the St. Catherine University repository. [Cited 2015 January 13]. Available from: <https://sophia.stkate.edu/maed/74/>.
32. Ghodsian N, Dorrani K, Pourshafei H, Asadi Yoonesi MR. [Educational organization culture model (Case Study: Education Department of Birjand)], *Organizational Culture Management* 2015; 13 (2): 343-367. [Persian]
33. Robbins SP, Judg TA. *Organization behavior*. 16th ed. Singapore: Pearson Education; 2014.

The Evaluation of Class Culture from the Viewpoint of Student's at Kashan University of Medical Sciences

Amini M¹, Rahimi H^{2*}, Kiani M³

Received: 2018/07/17

Accepted: 2018/11/12

Abstract

Introduction: Class culture, based on its implicit and explicit beliefs and values, can, on the one hand, promote free, motivational and confidential environment for learning in learners, and on the other hand, it may create a cold, negative, and irrational environment. Thus the purpose of this research was to evaluate class culture from the viewpoint of students in Kashan University of Medical sciences.

Method: This is a descriptive survey research. The statistical population consisted of 2148 students in Kashan University of Medical Sciences in academic years 2016-17 that 200 ones through stratified randomized sampling chosen as sample. Data gathering tool was class culture standard questionnaire with 8 items response close in term of Likert five scale. Questionnaire construction validity confirmed through factor analysis. Questionnaire reliability was estimated by Cronbach Alpha coefficient equal to 0.88. Data analyzed by descriptive (frequency, percentage, mean & standard deviation) and inferential level (one sample t-test, independent t-test, one way Anova & structural equation modeling) through SPSS .

Result: Findings showed class culture score (34.53 ± 2.64) was upper than 30 score and the majority of students considered the class culture in university as open. Male students with score of 35.17 ± 2.97 reported more open class culture than female students with a score of 33.91 ± 2.1 , and this difference was statistically significant ($p < 0.05$). But there was no significant difference between students' viewpoints on the status of classroom culture in terms of college and degree of academic ($p < 0.05$).

Conclusion: based on results, the class culture in Kashan University of Medical Sciences is open. This is especially important in medical science universities whose graduates at different levels and courses should have a positive balanced humanistic relationship with their peers, in order to be more confident in the quality of the duties and responsibilities involved.

Key words: Class Culture, Student, University

Corresponding: Rahimi H, Educational Management Dept, Humantic School, University of Kashan, Kashan, Iran
dr.hamid.rahimi@kashanu.ac.ir

Amini M, Curriculum Dept., Hum antic School, University of Kashan, Kashan, Iran

Kiani M, Educational Psychology Dept, Hum antic School, University of Kashan, Kashan, Iran